

The Indicator of Realization on Privacy with Non-Maḥrams with an Emphasis on Cyberspace¹

Doi: 10.22034/jrj. 2020. 57158.2020

MohammadSadeq Fazel

Graduate Student of Level 4 of Qom Hawza Ilmiyyah ; (*Corresponding Author*);
m_60_sfazel@yahoo.com

Fatemeh Ardeshiri

Graduate Student of Level 3 of Mazandaran Hawza Ilmiyyah; fardeshiri@whc.ir

Receiving Date: 2020-03-24; Approval Date: 2020-07-03

**Justārḥā-ye
Fiqhī va Uṣūlī**

Vol.7, No.24

Fall 2022

165

Abstract

The extent and the quality of the relationship between men and women is one of the issues that Islām has given special importance to, as it has issued many rules for it. In jurisprudence, these rules have sometimes been presented as obligatory and sometimes as non-obligatory. One of these rules is the prohibition of being alone (*khalwat*) between non-maḥram men and women. Being alone means that the non-maḥram men and women must not be alone in a place without the presence of a third person. Being alone with non-maḥrams is forbidden in Islam and some jurists consider it as forbidden (*ḥarām*) and others as detestable (*makrūh*). For a long

1 . Fazel - MS; (2022); “ The Indicator of Realization on Privacy with Non-Maḥrams with an Emphasis on Cyberspace “; *Jostar_ Hay Fiqhi va Usuli*; Vol: 7 ; No: 24 ; Page: 165-188 ; Doi:10.22034/jrj.2020. 57158.2020

time, being alone with a non-maḥram has had many examples but with the development of technology and the growth of cyberspace, being alone with non-maḥrams in cyberspace has also been added to its examples. By referring to jurisprudential books and examining the conditions for fulfilling the ruling of being alone with non-maḥrams and applying it to cyberspace, the present study has concluded that there are conditions for forbidding being alone with non-maḥram in cyberspace. Therefore, if being alone with non-maḥrams is forbidden in face-to-face situations (based on theoretical differences that exist in this issue), being alone in cyberspace will also be forbidden, and if it is detestable (*makrūh*) in face-to-face situations it will also be detestable in cyberspace.

Keywords: Being Alone, Being Alone with Strangers, Being Alone with Non-Maḥram, the Possibility of Haram Realization, *Rībah*.

شاخص تحقق خلوت با نامحرم با تأکید بر فضای مجازی^۱

محمدصادق فاضل^۲

فاطمه اردشیری^۳

چکیده

میزان و کیفیت ارتباط زن و مرد یکی از مسائلی است که دین مبین اسلام برای آن اهمیت خاصی قائل شده است، به گونه‌ای که دستورات فراوانی برای آن صادر کرده است؛ دستوراتی که در علم فقه، گاهی به صورت حکم الزامی و گاهی به صورت حکم غیر الزامی مطرح شده‌اند. یکی از این دستورات، نهی از خلوت بین مرد و زن نامحرم است. خلوت به این معناست که زن و مرد نامحرمی در یک مکان، بدون حضور شخص سوم، تنها باشند و خلوت کنند. در اسلام از خلوت با نامحرم نهی شده است که برخی فقیهان این نهی را تحریمی می‌دانند و برخی دیگر، از آن کراهت برداشت کرده‌اند. خلوت با نامحرم از دیرباز مصادیق متعددی داشته است؛ اما با گسترش تکنولوژی و شیوع استفاده از فضای مجازی، خلوت با نامحرم در فضای مجازی نیز به مصادیق آن افزوده شده است. مقاله حاضر با مراجعه به کتب فقهی و با بررسی شرایط تحقق حکم خلوت با نامحرم و تطبیق آن با فضای مجازی، به این نتیجه رسیده است که شرایط نهی از خلوت با نامحرم در مورد

شاخص تحقق خلوت با
نامحرم با تأکید بر فضای
مجازی

۱۶۷

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۳ (متخذ از پایان‌نامه)

۲. دانش‌آموخته سطح چهار، حوزه علمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)، m_60_sfazel@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه مازندران، رایانامه: f.ardeshiri@whc.ir

فضای مجازی نیز وجود دارد. بنابر این، اگر خلوت با نامحرم در فضای حقیقی حرام باشد (بنابر اختلاف نظری که در مسئله وجود دارد)، خلوت در فضای مجازی نیز حرام خواهد بود و اگر در فضای حقیقی حکم به کراهت خلوت با نامحرم گردد، در فضای مجازی نیز همین حکم وجود خواهد داشت.

کلیدواژه ها: خلوت، خلوت با اجنبیه، خلوت با نامحرم، امکان تحقق حرام، ربه.

مقدمه

انسان از برخی کارها به صورت آشکار پرهیز می کند، اما ممکن است در پنهان به انجام دادن آن‌ها پردازد (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۲۲۳). این تفاوت رفتار در خلوت و جلوت، به دلیل حضور مردم است. حیای از دیگران، سبب می شود که فرد در حضور آنان از ارتکاب رفتارهای نادرست دست بکشد و به محض پیدا شدن مکانی خلوت، آن رفتارها را انجام دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله «روز قیامت گروهی را در حال بدترین عذاب می آورند. خداوند به آنان می فرماید: شما این گونه بودید که هرگاه خلوت می کردید با گناهان بزرگ در برابر من قد می کشیدید و هرگاه با مردم ملاقات می کردید، با فروتنی آنان را ملاقات می کردید» (مالکی اشتری، بی تا، ۲/۲۳۴).

در تعالیم و آموزه های دینی، یکی از مواردی که برای مصونیت و حفظ انسان از گناه، از آن نهی شده است خلوت کردن با نامحرم است. از نگاه عرف اولین چیزی که در تعریف خلوت به ذهن می رسد، تنها بودن فرد و حضور نداشتن دیگران در کنار اوست. وقتی در قلمروی که فرد در آن قرار دارد، شخص دیگری حضور نداشته باشد و او یکه و تنها باشد، آن قلمرو را می توان خلوت او نامید. بنابراین خلوت کردن با نامحرم یعنی بودن زن با مرد در مکانی که از دید دیگران خارج است، مانند اتاقی که درها و پنجره های آن بسته و پرده هایش کشیده شده است.

مشهور فقیهان از خلوت زن و مرد نامحرم منع کرده اند. این منع از نگاه برخی فقیهان یک منع الزامی است به این معنا که خلوت با نامحرم را حرام می دانند (علامه حلی، ۱۳/۱۴۷؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ۳/۱۵۳؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ۷/۱۹۱؛ خوانساری، ۱۴۱۶ق، ۷/۴۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۹/۳۲۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۲/۳۴۳؛ عراقی، ۱۴۲۱ق، ۳۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱/۵۳؛ حسینی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هفتم، شماره پیاپی ۲۴

پاییز ۱۴۰۰

۱۶۸

تویسرکانی، ۱۴۱۸ق، ۲۴: انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲۰۳/۲؛ شبیری زنجانی، ۵۵۷). از نگاه برخی دیگر، منعی که در روایات وارد شده است غیر الزامی، به معنای کراهت آن است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ۳۷۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ۸۲؛ بهجت، ۱۴۲۸ق، ۱۸۸/۴؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ۳۰۸؛ حسینی سیستانی، ۱۴۲۲ق، ۴۰۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ۱۵۶).^۱

از گذشته تا کنون، خلوت با نامحرم مصادیق متعددی داشته که مورد اتفاق همگان بوده است از جمله در منازل مسکونی، اما امروزه مصادیق جدیدی به وجود آمده است که بر آنها در تحقق عنوان خلوت با نامحرم تردید وجود دارد. یکی از این مصادیق فضای مجازی است.

فضای مجازی فضایی تئوری است که ارتباطات کامپیوتری در آن رخ می دهد. این واژه در دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات علمی - تخیلی شد و شاغلان در زمینه کامپیوتر و علاقه‌مندان به سرعت آن را به کار بردند و در دهه ۱۹۹۰ رایج شد. در این دوره، استفاده از اینترنت و شبکه و مخابرات دیجیتال سریعاً در حال رشد بود و لفظ فضای مجازی می توانست بسیاری از ایده‌ها و پدیده‌های نوظهور را نمایندگی کند. (علی اکبری و نصیری زرنندی، ۱۳۹۸، ۶۴).

شاخص تحقق خلوت با
نامحرم با تأکید بر فضای
مجازی

۱۶۹ فضای مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با این که عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم گرد آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می کنند. امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است. پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه، چت‌روم‌ها، وبگاه‌ها و بازی‌ها روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند.

امروزه به دلیل گستردگی و فراگیری فضای مجازی و اینترنتی در دنیا و قرار گرفتن بسیاری از مباحث و مطالب در حوزه‌های مختلف مورد نیاز انسان‌ها در درون این

۱. نویسندگان مقاله در پژوهشی دیگر (اردشیری، ۱۳۹۷) با بررسی آرای فقیهان و تحلیل عمیق ادله فقهی مسئله خلوت با نامحرم، به این نتیجه رسیده‌اند که در خلوت با نامحرم نمی توان قول به حرمت را پذیرفت، بلکه بنابر برخی از ادله فقهی، خلوت با نامحرم کراهت دارد.

شبکه جهانی، ضرورت استفاده از قابلیت‌ها و امکانات آن برای همه افراد و سازمان‌ها ضروری و لازم به نظر می‌رسد. به گونه‌ای که دیگر انجام بسیاری از فعالیت روزمره انسان بدون کمک از قابلیت‌های این شبکه عملاً با مشکل مواجه خواهد شد. اما آنچه که مقاله حاضر درصدد تبیین حکم فقهی آن است، کل فضاهای مجازی است که امکان ارتباط زن و مرد به صورت خصوصی در آن وجود داشته باشد، به ویژه پیام‌رسان‌ها.

حکم فقهی خلوت و شرایط تحقق حکم خلوت در کتب فقهی و رساله‌های عملیه به طور جزئی مطرح شده است. هم‌چنین یادداشت‌ها و مقالاتی در اینترنت با عنوان حریم خصوصی یا ارتباط با نامحرم مطرح شده است، اما رساله مستقلی پیرامون حکم فقهی خلوت و شرایط آن به صورت اجتهادی تدوین نشده است و به تبع آن، حکم خلوت در فضای مجازی تا به حال بررسی نشده است. از همین رو، مقاله حاضر اولین پژوهشی است که درباره شرایط تحقق حکم خلوت محسوب می‌شود و درصدد پاسخ به این پرسش است که فارغ از این که حکم فقهی خلوت با نامحرم در فضای حقیقی حرام است یا کراهت دارد، آیا خلوت با نامحرم در فضای مجازی ملحق به حکم خلوت در فضای حقیقی و محکوم به همان است؟

برای رسیدن به پاسخ سؤال یادشده، پس از تبیین فضای مجازی، شرایط تحقق خلوت بررسی می‌شود تا پس از ثبوت شرایط خلوت، صدق عنوان خلوت با نامحرم بر فضای مجازی ثابت شود.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال هفتم، شماره پیاپی ۲۴
پاییز ۱۴۰۰

۱۷۰

۱. شرایط تحقق حکم خلوت با نامحرم

پس از بررسی دقیق منابع فقهی، برای تحقق حکم خلوت سه شرط دیده می‌شود که در ادامه به تشریح و ادله اشتراط آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱. امکان تحقق حرام

یکی از شرایطی که در تحقق حکم خلوت معتبر است امکان تحقق حرام از زن و مرد اجنبیه است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ۸۲؛ بهجت، ۱۴۲۸ق، ۱۸۸/۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۳۰ق، ۵۵۷؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ۳۰۸؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۳۱؛ خویی، ۱۴۱۶ق، ۴۰۷/۳؛

سیفی مازندرانی، ۱۳۷۵ش، ۱۷۹). البته در مصادیق تحقق حرام محدودیتی وجود ندارد، بنابراین، فرقی بین نظر به اجنبیه و غیر آن نیست و در صورت امکان هرگونه گناهی حکم خلوت تحقق پیدا می‌کند (خویی، ۱۴۱۶ق، ۲۵۶/۳، ۴۰۷).

برای نمونه، علامه حلی در تذکرة الفقهاء نیز در بحث رهن کنیز، منجر شدن به حرام را شرط تحقق خلوت می‌داند و می‌گوید: «اگر مردی کنیز خود را نزد مرد دیگری به‌عنوان رهن بگذارد و شرط کند که کنیز نزد زن دیگری یا نزد یکی از محارم خود یا پیش مرتهن و یا نزد اجنبی‌ای که به خلوت منجر نمی‌شود باشد، رهن جایز است» (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ۲۵۴/۱۳). علامه برای موردی که رهن کنیز در نزد اجنبی منجر به خلوت نمی‌شود این‌گونه مثال می‌آورد: «مثل این که آن مرد همسران دیگری داشته باشد یا محارمی همراه کنیز باشند، چرا که این امر به حرام کشیده نمی‌شود» (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ۲۵۴/۱۳).

امام خمینی می‌گوید: «اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی در آن‌جا نباشد در حالی که دیگری هم نتواند وارد شود، چنانچه بترسند که به حرام بیفتند، باید از آن‌جا بیرون بروند» (خمینی، ۱۴۲۶ق، مسئله ۲۴۵۲) مفهوم این عبارت این است که ترس از وقوع در حرام یا امکان تحقق خلوت یکی از شرایط تحقق حکم حرمت یا کراهت خلوت است.

همچنین فاضل لنکرانی در جواب از این سؤال که حکم خلوت با زن اجنبیه چیست می‌گوید: خلوت با زن نامحرم در صورت ایمن بودن از افتادن در گناه و کمال اطمینان اشکال ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ۸۲). این متن نشان می‌دهد که در صورت خوف وقوع در گناه، حکم خلوت تحقق پیدا می‌کند.

بهبخت در جواب از این سؤال که حکم خلوت کردن با زن نامحرم در صورت اطمینان از واقع شدن در حرام چیست و محدوده خلوت کردن با زن نامحرم چه است، می‌گوید: «در صورت علم به واقع شدن در حرام، خلوت با زن نامحرم حرام است و در غیر این صورت باید احتیاط کرد مگر با ظن اطمینان‌آور به عدم واقع شدن به گناه، هرچند در این مورد نیز احتیاط نیکو است» (بهبخت، ۱۴۲۸ق، ۱۸۸/۴).

شبییری زنجانی در المسائل الشرعیة می‌نویسد: «حرام است بر مرد در صورت

خطر ارتکاب حرام، با زن اجنبیه خلوت کند» (شبییری زنجانی، ۱۴۳۰ق، ۵۵۷)، بنابراین در صورتی که زن و مرد امنیت و اطمینان داشته باشند که حرامی واقع نمی‌شود، حکم خلوت محقق نمی‌شود.

فقیهان یادشده برای اشتراط امکان تحقق حرام به ادله‌ای استناد کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. جزیری روایتی از اهل بیت علیهم‌السلام نقل می‌کند که «خلوت با اجنبیه حرام نیست مگر این که به حرام و معصیت منجر شود» (جزیری، ۱۴۱۶ق، ۵/۵۹۴). این روایت نشان می‌دهد که شرط تحقق حکم خلوت با اجنبیه وقوع در حرام و معصیت است. ب. روایت در کتاب جعفریات نیز دلالت بر این شرط دارد: «سه چیز است که اگر حفظ شوند، از شیطان رجیم و از هر بلایی در امان هستند: ۱. کسی که با زنی خلوت نکند در حالی که چیزی از آن را مالک نیست؛ ۲. کسی که بر سلطانی وارد نشود؛ ۳. کسی که به شخصی که بدعت می‌کند، کمک نکند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۴/۲۶۵). در این روایت سه چیز حرام دانسته شده‌است. دومین مورد وارد شدن بر سلطان جائز است. به تصریح آیه ۱۱۳ سوره هود، گرایش و میل به زمامداران ستمگر حرام بلکه از گناهان کبیره‌است (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۳، ۳۱۰). از آن جا که وارد شدن بر سلطان جائز احتمال وقوع حرام را دارد، این قضیه قرینه می‌شود که حکم خلوت با اجنبیه در صورت تحقق حرام، محقق می‌شود. پس به قرینه مورد دوم، می‌توان اشتراط امکان تحقق حرام را در تحقق حکم خلوت با نامحرم استفاده کرد.

ج. روایت ابن عباس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که می‌فرمایند: «مردی با زنی خلوت نکند و زنی مسافرت نکند مگر این که با او محرمی باشد» (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۹۰) نیز اشاره به همین شرط دارد، زیرا در صورت وجود محرم، امکان تحقق حرام کم می‌شود.

سند این سه روایت قابل اعتنا نیست. سند روایت در جعفریات دو مجهول دارد. مراد از «عبدالله» و «محمد» در سند روایت مشخص نیست. علاوه بر این که این روایت در منابع معتبر شیعه یافت نشده‌است و جعفریات اولین کتابی است که آن را نقل کرده‌است. روایت ابن عباس نیز در منابع روایی شیعه یافت نشده‌است و اختصاصاً در منابع اهل سنت نقل شده‌است. اما با تجمیع این سه روایت به‌ضمیمه

دلیل چهارم و هم چنین شهرت این فتوا در میان فقیهان معاصر، ظن به اشتراط امکان تحقق حرام، در تحقق حکم خلوت به دست می آید.

د. دلیل دیگری که بر اشتراط امکان تحقق حرام در تحقق حکم خلوت وجود دارد، داستان حضرت یوسف علیه السلام و زلیخاست. خداوند در آیه ۲۳ و ۲۴ سوره یوسف می فرماید: ﴿وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ: مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ * وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ «و زنی که یوسف در خانه او بود، از یوسف از طریق مراوده و ملایمت، تقاضای کام گیری کرد و درها را [برای انجام مقصودش] محکم بست و گفت: برای تو آماده ام. یوسف گفت: پناه به خدا که او پروردگار من است و مقام مرا گرامی داشته است. قطعاً ستمگران رستگار نمی شوند و همانا (همسر عزیز مصر) قصد او (یوسف) را کرد و او نیز اگر برهان پروردگارش را نمی دید، [بر اساس غریزه] قصد او را می کرد. این گونه [ما او را با برهان کمک کردیم] تا بدی و فحشا را از او دور کنیم، زیرا او از بندگان برگزیده ماست».

شاخص تحقق خلوت با
نامحرم با تأکید بر فضای
مجازی

در این داستان، حضرت یوسف علیه السلام در مکان خلوت زلیخا حضور داشت و زمانی از آن جا قصد خروج کرد که زلیخا میل خود را به او نشان داد و حضرت یوسف علیه السلام انجام حرام را ممکن دید. قرائتی در تفسیر نور به همین قضیه اشاره می کند: «حضور مرد و زن نامحرم در یک محیط بسته، زمینه را برای گناه فراهم می کند» (قرائتی، ۱۳۸۸ش، ۴/۱۸۱). حضرت یوسف علیه السلام هنگامی که مقدمات حرام را مهیا دید از نزد زلیخا فرار کرد.

بنابراین، اولین شرطی که می توان برای تحقق حکم حرمت یا کراهت نام برد، امکان تحقق حرام در خلوت با نامحرم است.

۱-۱-۱. امکان تحقق حرام در فضای مجازی

تحقق فعل حرام در فضای مجازی ممکن به نظر می رسد، چرا که چت کردن با نامحرم هرچند فی نفسه حرام نیست، اما در مواردی که ترس از وقوع فتنه باشد حرام

خواهد بود. سیستانی در پاسخ به این پرسش که «اگر در چت ترس وقوع در حرام وجود نداشته باشد، اشکال دارد؟» می‌گوید: «اگر کلماتی که ردوبدل می‌شود مهیج باشد یا احتمال وقوع در حرام باشد، جایز نیست» (حسینی سیستانی، بی‌تا).

به حکم آیه ۳۲ سوره احزاب، گفتگوی زنان با نامحرمان با صدای نازک و همراه با ناز و کرشمه یک عمل حرام است. همچنین از مفهوم موافق این آیه برداشت می‌شود که ردوبدل شدن هرگونه صحبت مفسده برانگیز، محکوم به حرمت است (ر.ک: طاهری‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵)

فعل حرام دیگری که در فضای مجازی تصور می‌شود نگاه حرام به‌ویژه در ارتباط‌های تصویری است. از آن‌جا که در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور از نگاه به نامحرم نهی شده است، در صورتی که زن و مرد در تماس‌های تصویری پوشش اسلامی را رعایت نکنند، فعل حرامی مرتکب شده‌اند.

بنابراین، شرط اول تحقق حکم خلوت یعنی امکان تحقق حرام، در فضای مجازی موجود است.

۲-۱. احتمال تحقق ریه و شهوت

شرط دیگر تحقق خلوت با اجنبیه احتمال به‌وجود آمدن ریه و به‌هیجان آمدن شهوت است. بنابر گفته برخی فقیهان، خلوت با نامحرم در صورتی محکوم به حرمت یا کراهت است که احتمال به‌وجود آمدن ریه و به‌هیجان آمدن شهوت وجود داشته باشد. (کرکی، ۱۴۱۴ق، ۱۹۱/۷؛ خوبی، ۱۴۱۶ق، ۴۰۷/۳؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۵ق، ۲۹۶؛ یزدی، ۱۴۱۹ق، ۲۸۵/۱؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ۲۱۲/۱۴؛ حسینی روحانی، ۱۴۲۹ق، ۲۶۶/۱).

منتظری ملاک و مقتضای حرمت خلوت با زن نامحرم را ریه می‌داند (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۱۵ق، ۵۳۰/۲) و معتقد است روایات باب ناظر به همین ملاک هستند، زیرا در روایات آمده است که «هرگاه مردی با زن نامحرم خلوت کند، سومین آن‌ها شیطان است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲۵۲/۳) و شیطان در صورت خلوت مرد با زن نامحرم حضور پیدا می‌کند و با وسوسه مرد و تهییج و برانگیختن قوای شهوانی، او را به گناه می‌اندازد.

البته بدیهی است که برانگیختن قوای شهوانی در محل مورد بحث، برای زمانی است که تهییج شهوت در برابر همسر نباشد، چرا که محل بحث در جایی است که زن و مرد نامحرم با هم خلوت کرده باشند.

تویسرکانی در رساله فی الغناء نیز در ابتدا همین ملاک را مطرح می کند و می گوید: «آنچه از تحریم نگاه و خلوت با نامحرم و هم چنین حرمت ظاهر کردن زینت استفاده می شود، این است که هر آنچه سبب طغیان شهوت شود و در نتیجه، نفاق، شقاق و صرف اموال در باطل را موجب گردد، شارع به انجام آن‌ها راضی نیست و آن امر در نزد مولا مبغوض است» (حسینی تویسرکانی، ۱۴۱۸ق، ۲۴)، اما او پس از نقل این مناطی که از تتبع در ابواب فقه به دست می آید، آن را مورد مناقشه قرار می دهد و می گوید: «ملاکی که ذکر شد، یک مناط استنباطی و وجه اعتباری است که اگر اعتماد به آن جایز بود، لازم بود تا بسیاری از محللاتی که معلوم هستند حرام باشند. بنابراین از این ملاک تنها مرجوحیت این امور دانسته می شود نه حرمت آن‌ها» (حسینی تویسرکانی، ۱۴۱۸ق، ۲۴). در هر صورت، تویسرکانی «ریبه» را یکی از ادله حرمت خلوت می داند. بنابراین اگر در خلوت با اجنبیه امکان ریبه باشد، حکم خلوت تحقق پیدا می کند.

شاخص تحقق خلوت با
نامحرم با تأکید بر فضای
مجازی

۱۷۵ ریبه در کاربرد فقهی در مسئله نظر به نامحرم، به خوف وقوع در حرام و بیم فرو افتادن در فتنه و به آنچه در ارتباط با نامحرم است و نیز به آنچه که هنگام نظر به نامحرم در ذهن خطور می کند، مانند میل به بوسیدن و در آغوش گرفتن، تفسیر شده است (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ۲۹/۱۴). بنابراین تعریف، مقصود از ریبه و مفسده‌ای که در بحث نگاه به نامحرم و یا صحبت و ارتباط اجتماعی میان زن و مرد نامحرم مطرح شده این است که این امور یا باعث انجام گناه شود و یا فکر و ذهن را به سوی شهوت رانی بکشانند و باعث آلودگی افکار بشود، نه خطورات ذهنی و احساسات درونی لحظه‌ای و گذرا که قدرت مقابله با آن در بیشتر افراد وجود دارد.

شهوت در لغت فارسی به معنای آرزو و میل و رغبت و اشتیاق و خواهش و شوق نفس در حصول لذت و منفعت است (دهخدا، ۱۳۳۸، ذیل ماده شهوت)، اما در اصطلاح دارای مفهوم عام و وسیعی است و شامل هرگونه دوست داشتن و تمایل و رغبت به

درک لذت و خواهش نفس می شود، بدون این که اختصاص به شهوت جنسی داشته باشد؛ گرچه گاهی در خصوص شهوت جنسی نیز به کار رفته است.

در قرآن مجید این مفهوم در یازده مورد به صورت عام استفاده شده است و تنها در دو مورد در معنی خاص آن به کار رفته است. در روایات اسلامی و کلمات علمای اخلاق نیز اغلب در مفهوم عام به کار رفته است که در مقابل آن واژه «عفت» به معنای خویشنداری و چشم‌پوشی از لذایذ گناه‌آلود مادی به کار می‌رود.

این مفهوم بیشتر در موارد منفی به کار می‌رود، اما گاهی در موارد مثبت نیز به کار رفته است، مانند آن جایی که خداوند خطاب به بهشتیان می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ﴾ (هر چه را دوست بدارید و به آن تمایل داشته باشید، در بهشت برای شما فراهم است) (فصلت/۳۱) یا آن جایی که می‌فرماید: ﴿وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ﴾ (در بهشت آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم از آن لذت می‌برد، موجود است) (زخرف/۷۱).

به هر حال، این واژه بیشتر دارای بار منفی است و در مواردی که هوا و هوس افراطی بر انسان چیره شود و تمایلات و پیرانگر و گناه‌آلود تمام وجودش را فراگیرد، به کار می‌رود.

فاضل هندی در تعریف «ریبه» می‌گوید: «ریبه حالتی است که از نگاه به نامحرم، به ذهن و دل انسان خطور می‌کند و به معنای لذت بردن یا ترس از افتتان نیست. . . و ممکن است ریه را به معنای مفتون و فریفته شدن تعمیم دهیم، زیرا لغت «راب» به معنای واقع شدن در اضطراب است» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ۲۳/۷). صاحب جواهر معنای اول را ترجیح داده است و می‌گوید: «ظاهراً مراد از «ریبه» ترس وقوع در حرام است و شاید از این معنا تعبیر به «خوف فتنه» شود. پس اکتفا بر لذت بردن و ریه در حرمت نگاه به نامحرم بهتر است» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۷۰/۲۹).

بنابر گفته شیخ انصاری، دلیل حرمت ریه به معنای مذکور، روشن است، زیرا انجام دادن کاری، مانند نگاه به نامحرم که انسان را به حرام اندازد یا این که ترس وقوع در حرام را در پی داشته باشد، حرام است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۵۵).

حرمت معنای دوم و سوم ریه (ترس از واقع شدن در فشار غریزه جنسی و ترس

از خطورات ذهنی) به روشنی معنای اول نیست و هیچ‌یک از فقها دلیل روشنی بر حرمت آن ذکر نکرده‌اند.

شاخص‌ترین فقیهی که متعرض دلیل حرمت صورت دوم و سوم شده، شیخ انصاری است، آن‌جا که می‌گوید: «اما حرمت صورت دوم و سوم به خاطر راه یافتن فساد در آن‌ها است که از آن نهی شده و هم‌چنین پیامبر ﷺ صورت فضل بن عباس را از خثعمیه برگرداند و علت آن را خوف ورود شیطان میان آن دو ذکر فرمود که شامل هر سه معنا می‌شود. پس دلیل حرمت نگاه با ریه، شامل همه صورت‌ها می‌شود، زیرا ریه به هر معنایی که باشد شیطانی است» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۵۵).

بنابراین، دلیل حرمت ریه به معنای دوم و سوم لذت ناشی از آن است، زیرا این دو معنای ریه معمولاً جدای از لذت نیستند. دلیل حرمت تلذذ نیز همان‌طور که عده‌ای از فقها ادعا کرده‌اند (فخر المحققین، ۱۳۸۷ق، ۹/۳) اجماع فقها است.

با بررسی مطلب فوق درباره ریه، چهار نکته برداشت می‌شود:

۱. مقصود از ریه و مفسده‌ای که در بحث نگاه به نامحرم یا صحبت و ارتباط اجتماعی میان زن و مرد نامحرم مطرح شده این است که این امور باعث انجام گناه شود یا فکر و ذهن را به سوی شهوت‌رانی بکشاند و باعث آلودگی افکار بشود، نه خطورات ذهنی و احساسات درونی لحظه‌ای و گذرا.

۲. منظور از «تلذذ»، همان لذت جنسی است. اگر نگاه به دیگری با یکی از دو مشخصه ریه یا تلذذ همراه باشد، از نظر شرع مقدس حرام است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ۲۳۶/۱).

۳. گاهی انسان تنها به جهت لذت بردن جنسی به زن نگاه می‌کند بدون آن که بترسد به گناه کشیده شود و گاهی نگاه از روی لذت نیست، بلکه ترس آن است که به دنبال آن گناهی انجام گیرد و مقدمه ارتکاب حرام شود. گاهی نیز ممکن است که نگاه به زن توأم با دو عنوان یادشده باشد که در این سه صورت نگاه حرام است و در صورت سوم گناه آن شدیدتر است.

۴. ملاک در تحقق ریه در هر فرد متفاوت است؛ به این معنی که خوف وقوع در حرام برای شخصی که در معرض ریه قرار می‌گیرد، ملاک برای تحقق حکم

ریبه است.

در نتیجه، شرط دومی که برای تحقق حکم حرمت یا کراهت خلوت با نامحرم می‌توان مطرح کرد این است که احتمال تحقق ریبه و شهوت وجود داشته باشد.

۱-۲-۱. امکان تحقق ریبه و شهوت در فضای مجازی

امکان تحقق ریبه و شهوت بین زن و مرد نامحرم در فضای مجازی دور از انتظار نیست، مانند به‌نمایش گذاشتن تصاویری با پوشش نامتعارف از یکدیگر و استفاده از کلمات رکیک برای تهییج دیگری. پیش‌بینی می‌شود با نسل سوم اینترنت، این شرط تحقق‌پذیرتر به نظر برسد. بنابراین شرط دوم تحقق حکم خلوت با نامحرم نیز در فضای مجازی قابل تصور است.

۱-۳-۱. عدم امکان حضور شخص ثالث

شرط دیگر تحقق خلوت با نامحرم، عدم امکان حضور شخص ثالث است. به اعتقاد فقیهان اگر مرد و زن نامحرم در مکانی حضور داشته باشند که امکان حضور شخص سوم وجود نداشته باشد، حکم خلوت محقق می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۲۵/۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ۳۷۴؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ۳۰۸؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۷ق، ۳۳۱؛ سیفی مازندرانی، ۱۳۷۵، ۱۷۹).

با توجه به معنای خلوت، اشتراط چنین امری واضح به نظر می‌رسد. خلوت در زبان عربی از ریشهٔ خلو و به‌معنای «عاری بودن شیئی از چیز دیگر» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۲/۲۰۴) و نیز «فارغ شدن از کاری که در حال انجام آن بود» (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ۳/۱۲۲) آمده است. این واژه را برای مکانی که انسان یا شیء دیگری در آن نباشد نیز استعمال می‌کنند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۴/۳۰۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۹۷؛ حسینی واسطی، ۱۴۱۴ق، ۱۹/۳۸۵). هم‌چنین در فارسی خلوت به‌معنای «انزوا و عزلت» (دهخدا، ۱۳۳۸، ۵۷۱) و «تنها نشستن، تنهایی گزیدن، تنهایی و انزوا» (معین، ۱۳۷۱، ۱۰۲۸) آمده است. اما برای تعریف اصطلاحی، اولین چیزی که در تعریف «خلوت» به ذهن می‌رسد،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هفتم، شماره پیاپی ۲۴

پاییز ۱۴۰۰

۱۷۸

تنها بودن فرد و حضور نداشتن دیگران در کنار اوست. وقتی در قلمروی که فرد در آن قرار دارد، شخص دیگری حضور نداشته باشد و او یکه‌وتنها باشد، آن قلمرو را می‌توان خلوت او نامید.

در کنار عدم امکان حضور شخص ثالث، باید عدم امکان رؤیت شخص ثالث را هم اضافه کرد، چرا که اگر درب اتاقی قفل باشد ولی آن اتاق شیشه‌ای باشد یا پنجره‌هایی داشته باشد که به‌طور معمول می‌توان درون آن را دید، دیگر خلوت تحقق پیدا نخواهد کرد. پسندیده در این باره می‌گوید: «خلوت یعنی درک نکردن نظارت، نه وجود نداشتن نظارت. لازم نیست بدانیم نظارتی وجود ندارد تا خلوت حاصل شود، بلکه اگر از نظارت آگاهی نداشته باشیم و نظارت موجود درک نشود، باز هم خلوت حاصل می‌شود. در این تعریف، خلوت یک واقعیت خارجی نیست، بلکه یک احساس روانی است. اگر کسی در مجموعه تصورات خود به این احساس دست یابد که تنهاست، احساس خلوت شکل می‌گیرد، چه واقعاً شخص دیگری حضور داشته باشد یا حضور نداشته باشد. ممکن است کسی در برابر دوربین‌های کنترل‌کننده قرار داشته باشد، اما از وجود آن‌ها بی‌خبر باشد و احساس تنهایی کند. همین احساس سبب می‌شود تا قلمروی را که در آن قرار دارد، یک خلوتگاه بداند. درحقیقت، خلوت در قلمرو ذهن او شکل گرفته است نه در عالم خارج» (پسندیده، ۱۳۸۳، ۱۲۱).

امکانی که از آن بحث می‌شود، عدم امکان عرفی ورود شخص سوم است و ملاک در تشخیص امکان و عدم امکان، عرف است (حسینی شیرازی، بی‌تا، ۲/۲۰۹). این که شخص سوم چه خصوصیتی باید داشته باشد، از کلام فقیهان اینگونه برداشت می‌شود که حضور حتی صبی متمیز هم خلوت را از بین می‌برد (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ۳۰۸؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۷ق، ۳۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ۱۵۶).

۱-۳-۱. عدم امکان حضور شخص ثالث در فضای مجازی

مطمنناً بحث از خلوت در فضای مجازی در فضاهایی موسوم به «کانال» و «گروه»، به دلیل فضای اشتراکی که وجود دارد، متصور نیست، بلکه بحث تنها در

فضاهای خصوصی که به «PV» مشهور است مطرح خواهد بود.
در فضاهای خصوصی دو عامل وجود دارد که بتوان به تحقق این شرط در فضای مجازی حکم کرد.

اولاً پیام‌رسان‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دو نفر به راحتی و عدم حضور شخص ثالث بتوانند پیام و محتوا تبادل کنند. از همین رو، در فضاهای خصوصی شخص ثالث حضور نخواهد داشت.

ثانیاً اگر شخص سومی بخواهد به محتوای پیام‌های خصوصی دسترسی پیدا کند، باید به گوشی افراد دسترسی داشته باشد، اما از آنجا که غالب افراد گوشی را حریم خصوصی خود می‌دانند و با گذاشتن رمز، اجازه دسترسی به سایر افراد را نمی‌دهند، حضور شخص ثالث منتفی خواهد شد.
بنابراین به دلیل عدم امکان حضور شخص ثالث، شرط سوم خلوت نیز محقق است.

نتیجه‌گیری

شیطان در همه حال، وسوسه‌کننده است، اما قدرت وسوسه‌گری و تأثیر وسوسه‌های او در خلوت بیشتر می‌شود. نزدیکی شیطان به انسان با حضور مردم، رابطه معکوس دارد. اگر کسی تنها باشد، شیطان به شدت به او نزدیک است و اگر یک نفر دیگر اضافه شود، قدری فاصله می‌گیرد و اگر تعداد آنان از سه نفر به بالا باشد، بیشتر و بیشتر فاصله می‌گیرد. این را می‌توان در شدت و ضعف وسوسه‌های نفسانی در حالت‌های یادشده مشاهده کرد. دوری و نزدیکی شیطان، دوری و نزدیکی مکانی نیست، بلکه به معنای کاهش و افزایش وسوسه‌ها و تأثیرگذاری آن‌ها است. به موازات افزایش تعداد حاضران، تأثیر وسوسه‌های شیطان نیز کاهش می‌یابد.
برای تحقق خلوت، سه شرط در کتب فقهی یافت شد:

۱. یکی از شرایطی که در تحقق حکم خلوت معتبر است، امکان تحقق حرام از زن و مرد نامحرم است.

۲. دومین شرط برای تحقق حکم خلوت تحقق ریه و تهییج شهوت است.

۳. سومین شرط نیز عدم امکان حضور شخص ثالث است.

به نظر می‌رسد که هر سه شرط در فضای مجازی وجود داشته باشد. شرط اول غالباً وجود دارد چون در شرط اول گفتیم که امکان تحقق حرام، موجب صدور حکم حرمت برای یک فعل می‌شود و از آنجا که امکان صحبت کردن و نگاه حرام بین زن و مرد ممکن است اتفاق بیافتد، پس می‌توان شرط اول را محقق دانست. تصور شرط دوم نیز ممکن است.

شرط سوم نیز غالباً وجود دارد، چراکه غالب افراد گوشی را حریم خصوصی خود می‌دانند و با گذاشتن رمز، اجازه دسترسی به سایر افراد را نخواهند داد. پس به دلیل عدم امکان حضور شخص ثالث شرط سوم خلوت محقق است.

بنابراین و با توجه به وجود هر سه شرط در فضای مجازی می‌توان فضای مجازی را جزو مصادیق خلوت محسوب کرد و در نتیجه، محکوم به حکم خلوت با نامحرم در فضای حقیقی است. پس اگر خلوت با نامحرم در فضای حقیقی حرام باشد، خلوت در فضای مجازی نیز محکوم به حرمت است و اگر حکم خلوت در فضای حقیقی کراهت است، خلوت در فضای مجازی نیز مکروه خواهد بود.

شاخص تحقق خلوت با
نامحرم با تأکید بر فضای
مجازی

۱۸۱

منابع

• قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. اردشیری، فاطمه. (۱۳۹۷). *خلوت با نامحرم: موضوع شناسی و احکام آن*. پایان نامه منتشر نشده سطح سه. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
۴. اسفندیاری، آمنه. (۱۳۹۳). *حکم بودن زن و مرد در آسانسور*. وبگاه تبیان. بازیابی شده در یک آبان ۱۳۹۷، از <https://b2n.ir/d/40353>
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). *کتاب النکاح*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

۶. بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). **الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة**. تحقيق محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۷. بخاری، محمد بن إسماعیل. (۱۴۲۲ق). **الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ و سننه و أيامه**. تحقيق محمد زهير بن ناصر الناصر. بيروت: دار طوق النجاة.
۸. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن. (۱۳۸۷). **توضیح المسائل مراجع**. چاپ پانزدهم. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۹. بهجت، محمدتقی. (۱۴۲۸ق). **استفتاءات**. قم: دفتر حضرت آية الله بهجت.
۱۰. بیهقی، ابوبکر علی بن موسی. (۱۴۲۴ق). **سنن البیهقی**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۱. پسندیده، عباس. (۱۳۸۳). **پژوهشی در فرهنگ حیا**. قم: دارالحديث.
۱۲. تریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۷ق). **المسائل المنتخبة**. چاپ پنجم. قم: دار الصدیقة الشهيدة ۸.
۱۳. جزیری، عبد الرحمن. (۱۴۱۹ق). **الفقه على المذاهب الأربعة ومذهب أهل البيت ﷺ**. بیروت: دار الثقلین.
۱۴. حسینی تویسرکانی، میرزا عبدالغفار. (۱۴۱۸ق). **رسالة في الغناء**. قم: نشر مرصاد.
۱۵. حسینی روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). **فقه الصادق ﷺ**. قم: دار الكتاب - مدرسة امام صادق ﷺ.
۱۶. ———. (۱۴۲۹ق). **منهاج الفقاهة**. چاپ پنجم. قم: چاپ پنجم. انوار الهدی.
۱۷. حسینی روحانی، سید محمد. (۱۴۱۷ق). **المسائل المنتخبة**. کویت: شركة مكتبة الألفين.
۱۸. حسینی سیستانی، سید علی. **گفتگو با نامحرم**. (بی تا). پرسش و پاسخ. بازیابی شده در یک اسفند ۱۳۹۸، از <https://www.sistani.org/persian/qa/01014>.
۱۹. ———. (۱۴۲۲ق). **المسائل المنتخبة**. چاپ نهم. قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
۲۰. حسینی شیرازی، سید محمد. (بی تا). **الأسئلة والأجوبة - اثنا عشر رسالة**. بی جا: بی نا.
۲۱. حسینی واسطی، سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۲. خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۶ق). **توضیح المسائل**. بی جا: بی نا.
۲۳. خوانساری، سید احمد بن یوسف. (۱۴۰۵ق). **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**. قم: مؤسسة اسماعیلیان.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۶ق). **صراط النجاة**. قم: مکتب نشر المنتخب.

۲۵. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. (۱۳۳۸). تهران: موسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت - دمشق: دار العلم - الدار الشامیه.
۲۷. سیفی مازندرانی، علی اکبر. (۱۳۷۵). دلیل تحریر الوسیله. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۸. شبیری زنجانی، سید موسی. (۱۴۳۰ق). رساله توضیح المسائل. قم: انتشارات سلسبیل.
۲۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. حاشیه محمد رضا کلانتر. قم: کتابفروشی داوری.
۳۰. _____ . (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۳۱. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسین بقم المقدسه.
۳۲. طاهری نیا، احمد. (۱۳۸۶). ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم از دیدگاه کتاب و سنت. ماهنامه معرفت، ۱۱ (۱۲۲)، ۱۱۳-۱۳۲.
۳۳. طباطبایی حکیم، سید محسن. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دار التفسیر.
۳۴. طباطبایی قمی، سید تقی. (۱۴۲۵ق). هداية الأعلام إلى مدارک شرائع الأحكام. قم: انتشارات محللاتی. ۱۸۳
۳۵. عراقی، آقا ضیاء الدین. (۱۴۲۱ق). حاشیه المکاسب. قم: انتشارات غفور.
۳۶. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۳۷. علی اکبری، نگین؛ نصیری زرنندی، زینب. (۱۳۹۸). تأثیر فضای مجازی بر آسیب های اجتماعی. نشریه پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۲ (۱۶)، ۶۳-۷۲.
۳۸. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۴۱۶ق). أجوبة السائلین. قم: دفتر حضرت آیه الله.
۳۹. _____ . (۱۴۲۲ق). الأحكام الواضحة. چاپ چهارم. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام.
۴۰. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسین بقم المقدسه.

۴۱. فخر المحققین، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). **إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد**. تحقيق و تصحيح سيد حسين موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی، عبدالرحیم بروجردی. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). **کتاب العين**. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
۴۳. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن ۱۳۸۸ ش.
۴۴. کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). **جامع المقاصد في شرح القواعد**. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۴۵. کلانتری، علی اکبر، «تنقیح مناط»، فقه، دوره ۱۰، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۳۶-۱۷۸.
۴۶. مالکی اشتری، ورام بن ابی فراس. (بی تا). **تنبيه الخواطر و نزهة النواظر**. تحقیق علی اصغر حامد. قم: مکتبه الفقیه.
۴۷. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۸۹). **فرهنگ‌نامه اصول فقه**. تحقیق جمعی از محققان. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۸. مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ق). **التحقیق في کلمات القرآن الکریم**. تهران: مرکز کتاب لترجمة و النشر.
۴۹. معین، محمد. (۱۳۷۱). **فرهنگ معین**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). **استفتاءات جدید**. تحقیق و تصحیح ابوالقاسم علیان‌نژادی. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب عليه السلام.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۶ق). **أنوار الفقاهة- کتاب التجارة**. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب عليه السلام.
۵۲. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی. (۱۴۱۵ق). **دراسات في المكاسب المحرمة**. قم: نشر تفکر.
۵۳. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). **جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام**. چاپ هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۴. نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۵۵. یزدی سید محمدکاظم. **العروة الوثقی**. (۱۴۱۹ق). تحقیق و تصحیح احمد محسنی سبزواری. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هفتم، شماره پیاپی ۳۴

پاییز ۱۴۰۰

۱۸۴

References

• The Holy Qur'an.

1. al-Ḥarrānī, Ḥasan Ibn 'Alī Ibn Shu'ba. 1983/1404. *Tuḥaf al-'Uqūl*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
2. Ibn Fārīs, Aḥmad Ibn Fārīs. 1983/1404. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughā*. Edited by 'Abd al-salam Muḥammad Harūn. Qom: Markaz Nashr aktab al-I'lām al-Islāmī.
3. Ardishīrī, Fātimih. 2018/1397. *Khalwat bā Nāmahram; Mawḍū' Shināsī wa Ahkām-i Ān*. Unpublished thesis of Hawza Ilmiyyah third level. Markaz-i Mudīriyat Ḥawzih-yi 'Ilmīyih-yi Khāharān.
4. Isfandīyārī, Āminih. 2014/1393. *Ḥukm-i Būdan-i Zan wa Mard dar Āsānsur*. Tebyan Website published on November 2018 in <https://b2n.ir/d40353>.
5. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1995/1415. *Kitāb al-Nikāḥ*. al-Mu'tamar al-'Ālamī Bimunasabat al-Ḍhikrā al-Mi'awīyya al-Thānīyya li Milād al-Shaykh al-A'zam al-Anṣārī.
6. al-Baḥrānī, Yūsuf Ibn Aḥmad (al-Muḥaqqiq al-Baḥrānī). 1984/1363. *al-Ḥadā'iq al-Nāḍira ft Ahkām al-'Itrat al-Ṭāhira*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
7. Al-Bukhārī, Muḥammad ibn Ismā'il. 2001/1422. *Al-Jāmi' al-Musnad al-Ṣaḥīḥ al-Mukhtaṣar min Umūr Rasūl Allāh wa Sunnanih wa Ayyāmih*. Edited by Muḥammad Zahr ibn Nāṣir al-Nāṣir. Beirut: Dār Ṭawq al-Nijāt.
8. Banī Hāshimī Khumaynī, Sayyid Muḥammad Ḥasan. 2008/1387. *Tawḍīḥ al-Masā'il Marājī'*. 15th. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
9. Bahjat Gīlānī Fūmanī, Muḥammad Taqī. *Isṭiftā'āt. 2007/1428*. Qom: Daftar-i Ḥaḍrat-i Āyat Allah (The office of the Author).
10. Al-Bīḥaqī. Abī Bakr Aḥmad ibn al-Ḥusayn ibn 'Alī. 2003/1424. *Sunnan al-Bīḥaqī*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
11. Pasandīdīh, 'Abbās. 2004/1383. *Pazhūhishīdar Farhang-i Ḥayā*. Qom: Dāra al-Ḥadīth.
12. Al-Tabrīzī, al-Mīrzā Jawād. 2006/1427. *Al-Masā'il al-Muntakhabah*. 5th. Qom: Dār al-Ṣidīqat al-Shahīdah.
13. Al-Jazīrī, 'Abd al-Raḥmān ibn Muḥammad; al-Qharawī Sayyid Muḥammad. 1999/1419. *Al-Fiqh 'Alā al-Madhāhib al-Arba'at wa Madhhab Ahl al-Bayt*. Beirut: Dār al-Thaqalayn.

14. Al-Ḥusaynī Tūysarakānī, Mīrzā ‘Abd al-Ghaffār. 1997/1418. *Risālat fi al-Ghinā’*. Qom: Nashr-i Mīrṣād.
15. al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣadiq. 1991/1412. *Fiqh al-Ṣādiq*. Qom: Madrisah al-Imām al-Ṣādiq.
16. al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣadiq. 2008/1429. *Mīnhāj al-Fiqhah*. 5th. Qom: Anwār al-Hudā.
17. al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣadiq. 1996/1417. *Al-Masā’il al-Muntakhabah*. Kuwait: Shirkat Maktabat al-Alfayn.
18. <https://www.sistani.org/persian/qa/01014/>.
19. al-Ḥusaynī al-Sīstānī, al-Sayyid ‘Alī. *Goftgū bā Nā Maḥram*. n.d. Published on February 2020 in <https://www.sistani.org/persian/qa/01014/>.
20. al-Ḥusaynī al-Sīstānī, al-Sayyid ‘Alī. 2001/1422. *Al-Masā’il al-Muntakhabah*. 9th. Qom: the Office of his Eminence.
21. al-Ḥusaynī al-Shīrāzī, Sayyid Muḥammad. n.d. *al-As’alat wa al-Ajvabah-Ithnā ‘Ashar Risālah*.
22. al-Ḥusaynī al-Wāsiṭī, Sayyid Muḥammad Murtaḍā. 1993/1414. *Tāj al-‘Arūs min Jawāhīr al-Qāmūs*. Beirut: Dār al-Fikr lil Ṭibā‘at wa al-Nashr wa al-Tawzī‘.
23. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Sayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2005/1426. *Tawḍīḥ al-Masā’il*.
24. al-Khānsārī, al-Sayyid Aḥmad ibn Yūsuf. 1984/1405. *Jāmi‘ al-Madārik fi Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi‘*. 2nd. Edited by ‘Alī Akbar Ghaffārī. Tehran: Maktabat al-Ṣadūq.
25. al-Mūsawī al-Khuṭī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1995/1416. *Ṣīrāt al-Nijāt*. Qom: Maktab Nashr al-Muntakhab.
26. Dihkhudā, ‘Alī Akbar. 1959/1388. *Lughat Nāmīh-yi Dihkhudā*. Tehran: Mu’assisi-yi Intishārāt-i wa Chāp-i Dānishgāh Tehrān (Tehran University).
27. Al-Rāghib al-Isfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad ibn Mufaḍḍal. 1991/1412. *Mufradat Alfāz al-Qur’ān*. Beirut: Dār al-‘Ilm- Dār al-Shāmīyah.
28. Sayfī Mazandarān, ‘Alī Akbar. 1996/1375. *Dalīl Tahrīr al-Wasīlah*. Tehran: Mu’assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
29. Shubiyūrī Zanjānī, Sayyid Mūsā. 2009/1430. *Risālah Tawḍīḥ al-Masā’il*. Qom: Intishārāt-i Salsabīl.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هفتم، شماره پیاپی ۳۴
پاییز ۱۴۰۰

۱۸۶

30. al-‘Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn ‘Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1989/1410. *al-Rawḍat al-Bahīyya fī Sharḥ al-Lum‘at al-Dimashqīyya*. Qom: Maktabat al-Dāwarī.
31. al-‘Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn ‘Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1992/1413. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā‘i‘ al-Islām*. Qom: Mū‘assasat al-Ma‘ārif al-Islāmīyya.
32. Ibn Bābiwayhal-Qommī, Muḥammad Ibn ‘Alī (al-Shaykhal-Ṣadūq). 1992/1413. *Man Lā Yahḍuruh al-Faqīh*. 2nd. Qom: Mu‘assasat al-Nash al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
33. Ṭahirī Nīyā, Aḥmad. 2007/1386. *Irtibā‘-i Gofṭārī Zan wa Mard-i Nāmāhram az Dīdgāh-i Kitāb wa Sunnat*. Mahnāmih-yi Ma‘rifat, 11 (122), 13-132.
34. al-Ṭabāṭabā‘ī al-Ḥakīm, al-Sayyid Muḥsin. 1995/1416. *Mustamsak al-‘Urwat al-Wuthqā*. Qom: Mu‘assasat Dār al-Tafsīr.
35. al-Ṭabāṭabā‘ī al-Qommī, al-Sayyid Muḥammad Taqī. 2004/1425. *Hidāyat al-‘Alām ilā Madārik Sharā‘i‘ al-Aḥkām*. Qom: Maḥallātī.
36. al-‘Irāqī, ḍiyā‘ al-Dīn. 2000/1421. *Hāshīyat al-Makāsib*. Qom: Intishārāt-i Ghafūr.
37. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-‘Allāma al-Ḥillī). 1993/1414. *Tadhkirat al-Fuqahā‘*. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt li Ḥiyā‘ al-Turāth.
38. ‘Alī Akbarī, Niḡin; Naṣrī Zarandī, Zaynab. 2019/1398. *Ta‘thīr Faḍā‘-yi Majāzī bar Āstbhā‘-yi Ijtimā‘ī*. Nashrī-yi Pīshrafthā‘-yi Nuwīn dar Rawānshīnāsī, ‘Ulūm Tarbiyatī wa Āmūzish wa Parwarish, 2 (16), 63-72.
39. al-Fāḍil al-Lankarānī, Muḥammad. 1995/1416. *Ujūbat al-Sā‘itn*. Qom: The Office of his Eminence.
40. al-Fāḍil al-Lankarānī, Muḥammad. 2001/1422. *Al-Aḥkām al-Wāḍiḥah*. 4th. Qom: Markaz Fiqh al-A‘immat al-Athār.
41. Al-Fāḍil al-Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1985/1405. *Kashf al-Lithām wa al-Ibhām ‘an Qawā‘id al-Aḥkām*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
42. al-Ḥillī, Muḥammad Ibn Ḥasan (Fakhr al-Muḥaqqiqīn). 1967/1387. *Īdāḥ al-Fawā‘id fī Sharḥ Mushkilāt al-Qawā‘id*. Edited by Sayyid Ḥusayn Mūsawī Kirmānī, ‘Alī Panāh Ishtihārdī and ‘Abd al-Raḥīm Burujirdī. Qom: Mu‘assasat Ismā‘īliyyān.
43. Al-Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. 1989/1410. *Kitāb al-‘Ayn*. Qom: Mu‘assasat Dār al-Hijra.
44. Qarā‘atī, Muḥsin. 2009/1388. *Tafsīr-i Nūr*. Tehran: Markaz-i Farhangī-yi Darshā‘-yi az Qur‘ān.

45. al-‘Āmilī al-Karakī, ‘Alī Ibn al-Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Karakī, al-Muḥaqqiq al-Thānī). 1993/1414. *Jami‘ al-Maqāsid fī Sharḥ al-Qawa‘id*. 2nd. Qom: Mu’assasat Āl al-Bayt li Iḥyā’ al-Turāth.
46. Kalāntarī, ‘Alī Akbar, *Tanqīḥ Manāf*, Fiqh Journal, spring 2003, 10 (35), 136-178.
47. al-Mālikī al-Nakha‘ī al-Ḥillī, Warrām ibn Abī Firās ibn Ḥamdān. n.d. *Tanbih al-Khawāṭir wa Nuzhat al-Nawāzīr*. Edited ‘Alī Aṣqar Ḥāmid. Qom: Maktabat al-Fiqhīyah.
48. Markaz-i Itilā‘āt wa Makārik-i Islāmī (Islamic Information and Documentation Center). 2010/1389. *Farhangnāmih-yi Uṣūl Fiqh*. Edited by some researchers. Qom: Pazhūhishgāh-i ‘Ulūm wa Farhang-i Islāmī.
49. Muṣṭafawī, Ḥasan. 1981/1402. *Al-Taḥqīq fī Kalāmāt al-Qur‘ān al-Karīm*. Tehran: Markaz al-Kitāb lil Tarjumat wa al-Nashr.
50. Mu‘īn, Muḥammad. 1992/1371. *Farhang-i Mu‘īn*. Tehran: Intishārāt-i Amīr Kabīr.
51. Makārim Shīrāzī, Nāshir. 2006/1427. *Isṭifā‘āt Jadīd*. Edited by Abulqāsim ‘Ulyān Nizhādī. Qom: Madrasi-yi Imām ‘Alī Ibn Abī Ṭālib.
52. Makārim Shīrāzī, Nāshir. 2005/1426. *Anwār al-Fiqāhat: Kitāb al-Tījārah*. Qom: Madrasi-yi Imām ‘Alī Ibn Abī Ṭālib.
53. al-Muntazirī al-Najaf Ābādī, Ḥusaynalī. 1994/1415. *Dirāsāt fī al-Makāsib al-Muḥarramah*. Qom: Nashr-i Tafakkur.
54. al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1983/1404. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā‘i‘ al-Islām*. 7th. Edited by ‘Abbās al-Qūchānī. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
55. al-Nūrī al-Ṭabrasī, al-Mīrzā Ḥusayn (al-Muḥaddith al-Nūrī). 1987/1408. *Muṣṭadrak al-Wasā‘il wa Muṣṭanbaṭ al-Masā‘il*. Qom: Mu’assasat Āl al-Bayt li Iḥyā’ al-Turāth.
56. al-Ṭabātabā‘ī al-Yazdī, al-Sayyid Muḥammad Kāzīm. 1998/1419. *al-‘Urwat al-Wuṭṭā fīmā Ta‘ummu bihī al-Balwā*. Edited by Aḥmad Muḥsinī Sabzawārī. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
57. <https://hawzah.net/fa/Article/View/96927>
58. Majalīh-i Ḥuqūqī-yi Wukalā-yi Mi‘rāj, *Ta’rīf-i Fazā-yi Sāybirī*, on 5 February 2018, Merajlw.com/blog.
59. Maṣjid Hidāyat, *Ḥukm-i Khalwat bā Nāmaḥram dar Muḥal-i Kār*, 28 April 2018, <http://hedayatgar.ir/fa/news/1246>.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هفتم، شماره پیاپی ۳۴

پاییز ۱۴۰۰

۱۸۸

The criterion for realizing privacy with Not Muharram a emphasis on cyberspace¹

Doi: 10.22034/jrj. 2020. 56889.1989

Seyyed Mostafa Fareshirazi

PhD Student in Jurisprudence and Principle of Islamic Law at Ferdowsi University of Mashhad. Mashhad- Iran

Karim Abdollahi Nejad

Professor of Jurisprudence and Principle of Islamic Law at Ferdowsi University of Mashhad.
(Corresponding Author); Abdolahi-k@um.ac.ir

Mahmud Saeedi Rezvani

Associate Professor at Department of Curriculum, Ferdowsi University of Mashhad- Iran;

Alireza A'bbedi Sarasiya

Associate Professor of Jurisprudence and Principle of Islamic Law at Ferdowsi University of Mashhad. Mashhad- Iran;

Receiving Date: 2020-02-13; Approval Date: 2020-06-01

Abstract

One of the issues that has been considered in the category of sexual education is the initial age of sexual influence on children. Educational scientists have approached this issue with different approaches, principles, and methods and are looking for an answer to it. Finding an answer to this question will solve this challenge of

1 . Abdollahi Nejad- K; (2022); " The criterion for realizing privacy with Not Muharram a emphasis on cyberspace "; *Jostar_ Hay Fiqhi va Usuli*; Vol: 7 ; No: 24 ; Page: 189-222 ; Doi:10.22034/jrj.2020. 56889.1989

what stage of sexual education children should start with. Now, the main question of this study is whether, based on the jurisprudential and inferential approach, it is possible to discover the age of sexual influence on human beings from Qur'ānic texts and narrations and to state that during this age children experience arousal and influence. To answer this question, we have collected Qur'ānic texts and narrations related to this issue through the library method and examined them under the opinions of the jurists in an analytical-descriptive manner.

Keywords: Sexual Education, Discerning Children, Sexual Desire, Fiqh, Sexual Influence, Second Childhood.

